



رازی

اولین شارح پیماریهای آبله و سرخک

مطلوب صورت پذیرد. این نظر دقیق و مستحکم از جانب فرد عالمی ابراز می‌شود که حدود شصت سال از عمر بابرکت خود را صرف شناخت محمدبن زکریای رازی نموده و اذعان می‌دارد که هنوز، به گوشه‌ای از شخصیت والای علمی این دانشمند بزرگ ایرانی پی نبرده است.

ذکر این نظر ما را از هرگونه مطلب اضافی در مورد رازی بی‌نیاز می‌سازد، زیرا نقل مختصر از یک اهل فن مفیدتر از تحریر هزاران سطر توسط دیگران است. در اینجا به ذکر نکته‌ای مهم اشاره می‌شود

دکتر محمود نجم‌آبادی دانشمند معاصر و رازی شناس زبردست در مقدمه ترجمه کتاب آبله و سرخک چنین می‌نویسد: «اصولاً برای شناسایی مقام طبی و علمی رازی باید سالیان دراز عده‌ای از محققان بنشینند و در این امر عظیم همت گمارند، شاید بتوان کاری عظیم انجام گیرد». ایشان معتقد است، اگر چنین مرکز تحقیقاتی تأسیس شود شاید چندین ده سال طول می‌کشد تا تالیفات رازی در علوم مختلفه از قبیل حکمت، نجوم، هیئت، ماوراءالطبیعه، الهیات، طبیعیات، پزشکی، داروسازی، شیمی و ... مورد بررسی قرار گیرد و تجزیه و تحلیل

و آن اینکه معروفیت خیلی از دانشمندان در تاریخ به دلیل نزدیکی آنها به حکام و فرمانروایان دوران خویش بوده و تبلیغات و امکانات آنها در اختیار این افراد قرار می گرفته است. در صورتیکه چنین مطلبی به هیچ وجه در مورد رازی صادق نیست، زیرا شهرت و آوازه او نتیجه نبوغ ذاتی و زحمات طاقت فرسای شبانه روزی و عشق به کسب علم و دانش بوده است. این مطلب نکته مهمی است که مورد تأیید جناب دکتر نجم آبادی نیز می باشد.

در اینجا برطبق سنت هرساله و جهت آشنایی هرچه بیشتر همکاران با تالیفات دانشمند بزرگ محمد بن زکریای رازی به معرفی کتاب آبله و سرخک می پردازیم و نکات مهم آن را بطور بسیار مختصر مورد اشاره قرار می دهیم.

از آثار مفصل رازی رساله ای است که در آبله و سرخک نوشته و در اروپا مشهورتر از سایر رسالات اوست. اصل عربی این رساله با ترجمه لاتین آن اولین بار بوسیله چینینگ (CHANNING) کسی که آبله کوبی را معمول کرد) در سال ۱۷۶۶ میلادی (۱۱۸۰ هـ) در شهر لندن چاپ شده است. ترجمه لاتین این رساله در سال ۱۵۶۵ میلادی (۹۷۲ هـ) در ونیز تهیه شده و یک ترجمه انگلیسی هم توسط گرین هیل (GREENHILL) تهیه و به سرمایه انجمن سیدنهام SYDENHAM SOCIETY در سال ۱۸۴۷ چاپ شد. این رساله سابقاً بنام DE PESTE یا PESTILENTIA (بیماریهای واگیردار)

معروف بود و چنانکه نوبورگر می گوید «از هر لحاظ و از روی انصاف، این رساله زینتی بر آثار طبی اعراب است». سپس اظهار نظر می کند که «این رساله از نظر اهمیت بسیار ممتاز بوده و در تاریخ شناخت بیماریهای واگیردار، قدیمیترین رساله است که راجع به آبله نوشته شده و رازی همچون پزشکی با وجدان و خالی از هرگونه تعصب می نماید که در پی بقراط روان است» (۱).

کتاب آبله و سرخک از این نظر دارای اهمیت است که رازی برای اولین بار دو بیماری مذکور را شناخته و از عهده وصف آنها برآمده است. در این کتاب برای اولین بار توصیف علمی از آبله و سرخک ارائه می شود که ناشی از مجموعه تجارب و ملاحظات یک طبیب مجرب از معاینات بیماران متعدد می باشد.

رازی در این کتاب به نکات مهم دو بیماری از قبیل، دوره کمون، سرایت، دوره بیماری، بحران، خطرات، احتراز بیمار از غذاها مانند کتب طبی امروز اشاره کرده و یک یک این مباحث را بطور کامل بحث می کند.

کتاب آبله و سرخک مشتمل بر یک مقدمه کوتاه و چهارده فصل است که بطور بسیار مختصر به آن پرداخته و در صورت لزوم به شرح هر یک از فصول مربوط می پردازیم:

فصل اول: در باب بروز بیماری آبله و آنکه چرا فردی نیست که از ابتلا به آن مصون ماند مگر بعضی افراد.

(۱) مسعود رجب نیا (مترجم) تاریخ طب اسلامی، ادوارد براون، چاپ چهارم شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ص -

فصل دوم: در بیان بدنهایی که استعداد به آبله دارند و بیان اوقاتی که معمولاً آبله در آن اوقات شیوع می‌یابد.

فصل سوم: در علاماتی که دلالت بر جوشش آبله و سرخک می‌نماید.

فصل چهارم: در بیان اعراض و دستوره‌های آبله بطور کلی. در اینجا منظور از اعراض همان عوارض (COMPLICATIONS) است.

فصل پنجم: در خویشتن‌داری (تحفظ بدن) از آبله پیش از آنکه نشانه‌های آن بروز نماید و جلوگیری از ازدیاد آن پس از بروز.

فصل ششم: در اموری که در پیدا شدن آبله تسریع می‌نماید و آن را بیرون می‌ریزد و در بروز آن به طبیعت کمک می‌نماید.

فصل هفتم: در توجه به چشم، گلو، بندها و گوش‌ها و بیان آنچه که در موقع ظهور علامات آبله باید بدانها توجه داشت.

رازی در ابتدای این فصل چنین می‌گوید: «باید در اولین نشانه‌های آبله، مخصوصاً به چشم سپس به حلق و بعد از آن به بینی و گوش و به مفاصل بیمار توجه خاص نمود چه بسا که احتیاج می‌شود به قسمت پایین پاها و کف دست بیمار نیز توجه شود. و بسا که در این دو موضع به علت اشکال بیرون زدن آبله، دردهای شدیدی عارض گردد، زیرا پوست این دو قسمت یعنی کف پا و کف دست سخت و سفت است.

در این فصل جهت پیشگیری از بروز علامات آبله در چشم، رازی پیشنهاد می‌کند چند قطره گلاب در چشم چکانده شود و سپس صورت بیمار با آب سرد شستشو شود و از آب سرد نیز قطراتی در داخل چشم چکانده شود. فصل هشتم: در موادی که پختگی دانه‌های

آبله را تسریع و قابل نضج می‌نماید. نضج در اصطلاح طب قدیم حالت قبل از شفاء کامل است که می‌توان آنرا پختگی و بهبود نسبی یا قوام (AMELIORATION) دانست و تا قوام در بیماری حاصل نگردد بهبود میسر نیست.

فصل نهم: در خشک کردن دانه‌های نضج یافته آبله

فصل دهم: در مواردی که پوسته‌های آبله و خشک ریشه‌ها را می‌کند.

خشک ریشه کلمه‌ای فارسی است و چنانکه از آن مستفاد می‌گردد، ریشه خشک آبله و بیماریهای جلدی است.

فصل یازدهم: در مواردی که آثار آبله را از چشم و سایر نقاط بدن می‌زداید.

فصل دوازدهم: در دستور غذایی بیمار آبله‌ای فصل سیزدهم: در دستور مزاج آبله‌ای از نظر لیت و یبوست

فصل چهاردهم: آبله و سرخک بی‌خطر و کشنده

در پایان فصول کتاب آبله و سرخک، الحاقیه‌ای تحت عنوان: نکات و ملاحظات و حواشی و موضوعات از قلم افتاده، وجود دارد که توسط جناب دکتر محمود نجم‌آبادی نگاشته شده است. این الحاقیه خواننده را در درک مطالب کتاب تا حد امکان یاری می‌دهد.

نشریه رازی سالگرد تولد دانشمند بزرگ ایران محمد بن زکریای رازی را گرامی می‌دارد و سالروز داروسازی ایران را که همزمان با تولد این دانشمند گران قدر است خدمت تمامی همکاران عزیز تبریک می‌گوید.

دکتر سید محمد صدر